



مرک مولاداد

و

پیامدهای سیاسی آن

بدنبال تقسیم غنائم امیرالیهستی
تضاد میان خوانین بلوچ —
آنچنان مرحله‌ای از رشد خود رسیده بود
که عملاً امکان هر نوع همزیستی میان
آنها ممکن نبود چرا که محبت از مدعا
قبضه اسلحه و هزاران دلار پول بود
که مولاداد بتنهائی سرکشیده بود دوستی
نیز بر سر امان الله باران وعده‌ای
دیگر کشیده بود مخان‌ها که بر سر
تصاحب یک بز زحمتکشان هر یکی سعی
میکرد از دیگری پیشی بجوید چگونه
میتوانستند در مقابل آنهمه ثروت
با دآورده که مولاداد تصاحب کرده
سکوت نمایند ، بالاخره وحدت بلوچ به
دو جناح تقسیم گردید که هر جناح ادعا
داشت وحدت بلوچ واقعی است و دیگری را
اخراج کرده است . خوانین در اوج
درگیری برای به چنگ آوردن ثروت بودند
که به ناگهان مولاداد دم در خانه‌ای
در شهر کراچی ترور گردید .
بقیه در صفحه ۲

ضرورت اتحاد

بین بلوچهای مسلح

در پروسه قیام و بدنبال سرنگونی
رژیم شاه توده‌های وسیع که سالها قید
و بندگی را تحمل کرده و اینک خود را
بعزت نبود یک قدرت سیاسی منجیم
آزاد می‌یافتند ، اقدام به تسلیح خود

در سطح وسیعی نمودند ، و توده‌های
زحمتکش عسایر از آنجا نیکه با اسلحه
و تسلیح پیوند بیشتری داشتند فزون از
بقیه اقشار به تسلیح خود بها دادند
در این میان گروههای نیمه متشکلی که
با همان روابط عشایری نضج گرفته بودند
بصورت خودانگیخته و ناهماهنگ با
اهداف گوناگون اقدام به کمین گذاری
و مقابله با نیروهای مسلح رژیم
جمهوری اسلامی و بخصوص پاسداران نمودند
عده‌ای از این گروهها تحت

بقیه در صفحه ۲

هفته وحدت سرپوشی بر عجز رژیم
در جنب اقلیتها ی منهبی و سرکوب عنان
گسیخته هرگونه اندیشه مخالف است .
رژیم جمهوری اسلامی که خود حتی اصول
قانون اساسی ارتجاعی خود را زیر پا
میگذارد اینک با این ترقند شروع به
فریب توده‌های زحمتکش کرده و بدستور
منتظری سفیه هفته‌ای را به این مسئله
اختصاص داده‌اند . از آنجا که همپیمیز
در خدمت جنگ است وحدت نیز موضوع
و محور خویش را از جنگ ایران و عراق
گرفته بود و با نیا نتم ملی و منهبی
و قومی زبان آوری‌ها در فریب توده‌ها

هفته وحدت

و رسوایی رژیم

نمودند . کاروانهای مرکب از ائمه
جمعه و مسئولین انجمن‌های اسلامی
و افراد حزب الهی عمدتاً از شهرهای
منهبی قم و مشهد و دیگر شهرستانها
تحت عنوان کاروانهای وحدت گسیل
بقیه در صفحه ۶

• در این شماره :

● اخبار

● هراس رژیم از نیروهای انقلابی



گزارشی از زندان (۲)

جمهوری اسلامی که از بطن جهل
و خرافات و فریب روئیده است افرادی
را بگرد خویش جمع میکند که از تمامی
جنبه‌ها عقب مانده باغند و تنها یک

خصوصیت بارز در آنها باشد تفاوت و
بیرحمی و بی‌بهره بودن از تمامی
احاسات و عواطف انسانی مغرق شده
در بی‌فرهنگی و بی‌سوادی مجاهل و نادان
نمود مشخص و سبب چنین عقب ماندگانی
را مشخصاً در زندانها که چهره واقعی
رژیم در آنجا خود را بیشتر نشان
میدهد باید جستجو کرد بقیه در صفحه ۴

پروشات اسلامی جمهوری اذبیت راجی دمکراتیکین جمهوری

مرک ...

قتل

مرموزانه و آنها با عملیاتی حلیب عده شك و گمانهای فراوانی را موجب گردید. عده ای حس میزدند که کار رژیم جمهوری اسلامی با عده و عده ای تخمین میزدند که کار محمدخان با عده چرا که در رسوائی مولاداد و علنی کردن نزدیکی او و بی حیثیت کردن وی در نزد سلطنت طلبان نقض مهمی را بازی کرده بود. تا مدتها این راز در پرده ابهام باقی ماند. حاجی کریم بعضی معیدی که چندبار قبلا با رژیم جمهوری اسلامی تماس گرفته بود و در تدارک فروش اموال خود در سند پاکستان و انتقال آنها به ایران بود توقف کرد و در ضمن اعلام داشت که رژیم ما را نمی کشد - فرزندک مولاداد حس میزدند که کار محمدخان با عده و از اینرو تدارک قتل وی را دیده بودند اما حاجی کریم بعضی این روپاء پلید و مکار مانع عده بود، تا اینکه امان مبارکی یکی از عناصر وابسته به طایفه مبارکی در مجلسی بعد از آنکه از دود هروئین دماغی گرم عده بود اعلام کرده بود که مولاداد را به سزای اعمالش رسانده است.

علت اساسی که امان مولاداد را به قتل رساند چه بود زیرا بندرت اتفاق افتاده است که خوانین دست بقتل همدیگر بزنند مگر در موارد حاد که نابود کردن دیگری بقصد تصرف اموالی و یا منطقه تحت اختیارش باشد اینست که چند سال پیش هنگامی که محمدخان و میرمولاداد و چند خان دیگر در ابراهام شهر اقدام به تشکیل وحدت بلوچ می نمایند، از هر منطقه ای يك خان را بعنوان نماینده آن منطقه تعیین می کنند، آنها از خوانین مبارکی معین خان فرزند عیسی خان مبارکی را بعنوان نماینده خوانین منطقه چانف و آهوران بر میگزینند، امان مبارکی که خود را پسر اسلام خان و وارث مقام پدر در منطقه میدانست و بخصوص اینکه در دوران حضورش در ایران به مالیات گرفتن از زحمتکشان و چپاول و پرکردن جیب خود و توهم پراکنی و فریب توده ها پرداخته بود از این بابت کینه بدل میگیرد - امان مبارکی با اینکه از ناحیه ماسری

وابستگی خونی به مولاداد دارد از نظر سیاسی خود را کمتر از مولاداد نمیداند - نست و ادعای رهبری نیز داشت - مولاداد بر این نکته واقف بود که چنانچه امان در وحدت بلوچ حضور یابد موی دماغش خواهد عده بدینجهت مانع از ورود وی به وحدت بلوچ بود.

با فرار خوانین به پاکستان و دریافت جیره های فراوان از سوی امپری - یالیم و سلطنت طلبان، امان از این مسئله که وحدت بلوچ پول دریافت میکند و به او سهمی نمیرسد راضی بنظر نمی رسید، او درصدد برآمد که امان با سلطنت طلبان رابطه برقرار کند مولاداد مانع میشد، هر کجا روزنه ای برای امان پیدا میشد مولاداد آنرا بنفع خود به روی امان می بست - تا اینکه امان مبارکی اقدام به گروگان گرفتن یکی از ثروتمندان نشتیاری که مرکز "فرمانروانی" مولاداد بحساب می آورد نمود و از وی مبلغ ۵۰۰ هزار روپیه پاکستانی پول دریافت کرد.

مولاداد نیز در پی بدام انداختن امان برآمد، مولاداد شیوه ساواک مآبان خود را در اینجا نیز ادامه میداد، او ظاهرا با آنها خوب بود ولی از طریق دولت بر علیه آنها پرونده درست میکرد و آنها را بدام پلیس می انداخت از این شیوه ها پیش در ایران بکرات استفاده کرده بود در اینجا نیز پنهانی با مقامات پلیس بر سر بدام انداختن امان همکاری داشت چرا که پلیس پاکستان در تعقیب امان نیز بود علاوه بر اعمال کثیف خود امان در پاکستان نیز يك زحمتکش بلوچ پاکستانی را بقتل رساند بود و در ناحیه بلوچستان پاکستان نیز به مالیات گیری و چپاول زحمتکشان در پناه اسلحه اش پرداخته بود.

امان توسط پلیس پاکستان دستگیر و در یکی از سخت ترین زندانهای پاکستان که در منطقه ای گرمسیری بنام میخ واقع است زندانی گردید و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت - او در زندان گفته بود که هر چه می کنم از دست مولاداد است و گفته بود بیرون بیایم انتقام خواهم گرفت - بالاخره امان موفق شد از زندان بگریزد و این زمانی بود که تفاد محمدخان و مولاداد به اوج خود رسیده بود، امان در چندین نوبت با محمدخان ارتباط برقرار کرده و از وی کمکهای فراوانی دریافت

میکند، محمدخان که موقعیت را مناسب می بیند امان را برای نابودی مولاداد تشویق کرده، او میداند که بعد از آن امانی وجود نخواهد داشت - بالاخره امان مولاداد را ترور کرده و خودش نیز بعد از مدتها توسط پلیس پاکستان و همکاری مستقیم حاجی کریم بعضی به قتل میرسد - بدینگونه دو تن از خوانین برجسته بلوچستان کشته شدند - این دو تن از برجسته ترین خانهای بلوچستان بودند که قدرت توهم پراکنی داشتند مولاداد بعلمت اینکه قدرت مالی فراوانی در اختیار داشت و امان بعلمت اینکه خودش جوان بود و خود را بلوچ نام گذاشته بود و تلاش داشت نیروهای مسلح بلوچ را بدنبال خود بکشد - در این میان خان سوم بنام محمد خان که خود اظهار داشته آنوقت که من وارثی استم شده ام مولاداد مجله زن روز میخوانده است این دو نفر را سدی در مقابل خود می یافت - با علم کردن نزدیکی مولاداد او را در نزد سلطنت طلبان بی اعتبار و بقیه خوانین را بخود جلب کرد - توده های وسیع رزمنده بلوچ از مدتها پیش به این خون آشامان اعتمادی نداشته و ماهیت پلید آنها را میشناختند، اما هنوز عده ای به آنها متوهمند، برای توده ها تفاوتی ندارد که چه اسمی روی خان باشد آنها همرا جزء يك قماش بحساب می آورند و این درگیری فعلی خوانین بزرگترین درس را به توده ها داد که خوانین برای بچنگ آوردن گوشه ای بزرگتر از لحاف ملاحظتی حاضرند همدیگر را تکه پاره کنند ولی هر زمان که از سوی توده ها خطری آنها را تهدید کند با هم متحد شده یکپارچه میگردند - شکاف میان خوانین نشان بریدن توده ها از آنها و فاصله گیری زحمتکشان از خوانین میباشد خوانین اینک بجان هم افتاده اند، تا هر کدام در خیانت نسبت به زحمتکشان و دریافت جیره و مواجب از امپریالیم عقب نیفتد آنها بسان گانگی میمانند که بر سر يك تکه استخوان فعلا همدیگر را با دندان از هم می برند - با نابودی این خان خلا جانمینی بخوبی احساس میشود فرزندان مولاداد که عده ای به تحصیل معقولند نه می توانند جای پدر را پر کنند و نه موقعیت را بنفع خود تخصیص میدهند - طایفه مبارکی نیز چنان عنصر



مرک...

برجسته‌ای را نیز ندارد در این میان فعلا محمدخان میرنقاری که در زمان شاه خود و برادرش موجبات ضربه خوردن دانشاه را فراهم آورده بودند یکه تاز معرکه عده است اما این گفتار پیسی نیز سوراخ دعا را گم کرده است توده‌ها زحمتکش، هشیارتر از آنند که نجار ساده نگری شده فریب حیل‌های محمدخان را بخورند.

هم اینک خوانین در نهایت ضعف و زبونی بسر می‌برند محمدخان تالشی دارد عده‌ای را بغربید حاجی کریم بخش سعیدی که از مدتها پیش تسلیم شده و طوق جاسوسی رژیم خمینی را بگردن نهاده از موقعیتی که در رژیم پاکستان پیدا کرده بیشترین بهره‌برداری را بکند او برای امان مبارکی برائری سروغین با اسم اعظم مبارکی ساخته است و چنان وانمود کرده که از ایران برای تصرف کراچی به حرکت درآمده است و از سوی دیگر بعد از مرگ مولاداد نیز چند بار در مرز پیشین با مقامات جمهوری اسلامی ملاقات کرده است و بوی قول صد در صد همکاری داده است در تاریخ ۱۲ تا ۱۳ آذرماه در پیشین مهمان سپاه بوده و بتاريخ ۱۵ آذر به کراچی برگشته و دوباره در تدارک آمدن به ایسران است این آمد و رفت‌های حاجی کریم بخش بی معنی نیست و تعهد سیزده است که در نابودی آن عده از مخالفین جمهوری اسلامی که از ایران به پاکستان رفته اند همکاری صددرصد بکند و مانع شدن نیز در پاکستان بهمین علت است.

حاجی کریم بخش در یک معاحسه مطبوعاتی با روزنامه‌های پاکستانی اعلام داشته است که رژیم جمهوری اسلامی حکومت عدل و بسیار خوب است. او اینک به مجیزگوی خمینی تبدیل شده است. جناح مولاداد قبل از مرگ مولاداد از نظر سیاسی مرده بود و امان نیز در اواخر عمرش چنانچه پلیسی پاکستان او را نمی‌گفت هروثین او را میکشت. نیز هیچ بازمانده‌ای ندارد که جای وی را پر کنند. اما با اینحال کودکانه خواهد بود اگر تصور شود با

نابودی چند عنصر ریشه خان‌ها کنده عده است.

توده‌های بلوچ بدانند که باید این تفکر که یکی خان باشد و دیگری نوکر و یا رعیت وی از بیخ و بن نابود گردد. این نظم و این چارچوب باید بشکند تا هیچ عنصری فرصت نیابد به خان تبدیل شود تفاوتی نخواهد داشت چنانچه یک فرد بلوچ نیز در این چارچوب قرار گیرد و به شیوه خوانین عمل کند وی نیز گریه اجدادش خان نبوده‌اند به خان تبدیل می‌شود و چه بسا فرزندان خان‌هایی که این چارچوب را در اثر معرفت و آگاهی بکناری زده‌اند و از خان بودن خلاص شده‌اند.

وظیفه نیروهای انقلابی بخصوص هواداران سازمان است که با آگاه کردن توده‌ها قطعی‌ترین ضربه سیاسی را بر پیکر خوانین که مزدوران امیربالیسم و سلطنت‌طلبان در منطقه می‌باشند وارد آورند و بخصوص آن دسته از توده‌ها شی را که اندک توهمی به این مکاران دارند آگاه سازند و به همه نشان دهند که چگونه خوانین برای چاپیدن توده‌ها و بگردن انداختن طوق بندگی امیربالیست‌ها حتی حاضرند علی‌الرغم میل باطنی‌شان همدیگر را تکه پاره کنند. صدا بته که هرچه خوانین همدیگر را از هم بفرند بشف توده‌ها است خوانین و سلطنت‌طلبان را باید از نظر سیاسی کشت و آنگاه کسه قطعی‌ترین مرحله مبارزه برعلیه نابودی نظام سرمایه‌داری فرامی‌رسد با قهر انقلابی ریشه آنها برچیده خواهد شد و رسیدن به این هدف امکان ندارد مگر با بالا بردن شعور سیاسی و طبقاتی توده‌های بلوچ و سیستانی و سازماندهی آنها در تشکلهای خاص توده‌ای و بسیج آنها برعلیه نظم ستگرانه سرمایه‌داری موجود. اصلی‌ترین وظیفه ما در جهت مبارزه با خوانین از این نکته نشأت می‌گیرد چرا که آنها هم اینک نوکران امیربالیسم و قدرت آنها در ناآگاهی و جهل توده‌ها نهفته است و مرگ آنها با بالا رفتن آگاهی طبقاتی و فهم سیاسی توده‌ها امکان پذیر است توده‌ها هم اینک از هر زمان دیگر آمادگی پذیرش چنین آگاهی را دارند. آنها در برخورد های خود به مرگ مولاداد و امان نشان

دادند که تا چه اندازه از نابودی خوانین راضی بنظر می‌رسند. ولی نباید از یاد برد که دشمن اصلی ما در مرحله فعلی رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد و تمام فعالیت ما برعلیه خوانین از کانسال مبارزه برعلیه جمهوری اسلامی خواهد گشت مبارزه برعلیه خوانین نباید حتی یک لحظه مبارزه برعلیه جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار دهد.

اخبار

زاهدان - مهرماه ۶۴:

در پی وخامت حال یکی از زندانیان سیاسی رژیم ناچاراً او را در بیمارستان مصدق بستری می‌کنند. اقوام و نزدیکان او با مشاهده وضع زندانی شروع به افشاکاری حول جنایات رژیم مینمایند. مزدوران رژیم که اوضاع را چنین می‌بینند حتی بدون مراجعه به دکترو زندانی را به زندان منتقل می‌کنند. شرایط بد زندانی، وضع غذا و بهداشت در حدی طاقت فرسا قرار دارد و بیماریهای اسهال، کم‌خونی و تیفوس جان هزاران زندانی را تهدید می‌کند. حتی غذاهائی که خانواده زندانیان می‌آورند قبول نمی‌کنند یا پس از قبول به زندانی نمی‌دهند باید جنایات رژیم در زندانی را به گوش همه مردم برسانیم و برعلیه این جنایات اعتراضات توده‌ها را سازماندهی کنیم زندانیان سیاسی بقدرت توده‌ها باید آزاد شوند.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بدنبال اعتراض کمیته‌های مزدور به تعلیم رانندگی توسط زنان تعداد زیادی زنان تحت آموزش با مربیان نشان دستگیر شده‌اند و اخیراً زنی که حاضر نبوده با آنها به مرکز کمیته برود بزور و اجبار توسط خواهران زینب به ترونها عین گفت منتقل و به مرکز کمیته روانه میگردد. در رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها جایی برای زنان در بازار کار نیست بلکه حق آموزش هم ندارند.

و تنی عاقبت دست‌گرگ کوهانی المین حق انت

از اینرو در زندان ما با کسانی روبرو هستیم که عمدتاً معتاد و دچار سادیسیم و بیماریهای روانی هستند - لمپن های خالص و قداره کشان و خوکهای بنام انسان بی بهره از سواد حتی خواندن و نوشتن کسانی که در هیچ کجای این کره ارضی جز مزدوری برای دیکتاتورهای جائسی نمی توانند داشته باشند کسانی که با یک روضه خوانی توسط رؤسای زندان به گرگهای هاری تبدیل میشوند و با مختصر تحریکی چون حیوانات ترنده به زندانی حمله میکنند مخفونت و تعصب نشانده بارز آنهاست - "مصطفی مستاجران" مزدوری که بعدها مشول کل زندان شده است فقط یکی دو کلاس بیشتر سواد نداشت - مزدور دیگری "بنام" محسن حاجی بیگی که با گلوله پیشمرگان قهرمان کرد در جبهه های کردستان کشته شد اصلاً سواد نداشت و محمد تاجیک با نام مستعار "علی" که از اهالی شمال بود و "مصطفی" که بچه افغان بود حتی خواندن و نوشتن نیز بلد نبودند (این مزدور در جبهه کشته شد)

زندانیان دیگری بنام "عباس سلانژاد" که از اهالی زاهدان است تنها پنج کلاس سواد داشت و مامور درب زندان که بازرسی را بمعده دارد دفتری را هنگام بازرسی وسایل سرونه گرفته و تظاهر به خواندن آن میکرد - زندانی که به او می گوید برانر ببخشید دفتر را سرونه گرفته اید می گفت پاسدار از خجالت سرخ شده و دفتر را به میان ساک انداخته تفتیش بدن زندانی را دیگر فراموش نمیکند - و صدها مزدور عاری از پیش افتاده ترین خصوصیات انسانی و بدور از کمترین آگاهی چون آئینه ای ماهیت واقعی و عفونت زای جمهوری سرمایه داران را منعکس میکنند و در زندان سروکار هر زندانی مبارزی با این حیوانات وحشی است که در "تنور" جمهوری پخته و آبدیده شده چون عروسکی کوکی تنها یک چهره دارند مزور مخفونت تعصب و قنات در کفتار -

پس از بازجویی و شکنجه سلول تنگ انفرادی در انتظارم بوده ام وای گرم و گر گرفته ایرانم در دیوار

بعلت کثرت مطالب در شماره قبل مقاله گزارشی از زندان برج نشد ، این مطلب دنباله مطالبی است که درباره شکنجه در زندان ایران شهر توسط یکی از زندانیان برای ما فرستاده شده است -

گزارشی از زندان

سلول را آتفه زده بود و گرما در نرون سلول نفس انسان را تنگ میکرد ، تنها سهم ما از دنیای خارج پنجره کوچکی بود در بالاترین نقطه دیوار که اجازه بازکردن را نداشتیم و در صورت باز کردن آن نیز چیزی جز گرمای سوزان چو زبان از دهانی به داخل سلول سرازیر نمیشد - آنها معتقد بودند که ما از پنجره داخل پایگاه را نگاه می کنیم و لذا باید پنجره بسته باشد - اگر چه هیچ زندانی به پنجره نمی رسید تا چه رسد که از آن نگاه کند اما قانون زندان است و قانون زور -

در چنین گرمائی که خود یک شکنجه همیشگی و روزمره بود عرق از سرورویم روان شده بود و از بوی عرق تنم و لباسهای خیس عرق شده ام هوای سلول بوی معززکننده ای گرفته بود با وضعیت بد استحمام بزودی سروکله عیضها پیدا شد و یکی از سرگرمیهای من ترایندوره گرفتن عیض بود اما آنها تمامی نداشتند و عمرشان به اندازه جمهوری طول و دراز شده بود و حسابی از خون زندانیها سیاه و فربه شده بودند - لابلای نرز لباسها پر از رشک و عیض و بعنوان یک پدیده همگانی اندک اندک مانوس و جزو خصوصیات زندگی در زندان درآمده بود - با خود فکر می کردم آدم در خیابان و هوای معمولی جان نمی آورد مردم ایرانم سر ظهر که میشود هر کسی بدنبال سایبانی است اما ما در اینجا با این هوای تب آلود چگونه جان می آوریم - پخت در بزرگ و آهنی سلول آفتاب سوزان ، موزیانه و سحج ، ایستاد

بود و گویی که چون دیگر مظاهر طبیعت به خدمت سرمایه درآمده بود و میخواست زندان را تحمل ناپذیرتر کند ، به یخ و برف زندان اوین اندیشیدم که چگونه رفقایم را ساعتها فرسوز سرمای آن رها می کنند و ستمی که بر تنگ تنگ مردم زحمتکش و رنج دیده بلوچستان روا میرود و نیروی مقاومت در دلم زیانه کشید و شکنجه حقیرتر شده - زندانیان که برای تقسیم غذا می آمد مهم گرمای داخل سلول که بصورت کریهت می خورد خود را کنار کشیده و دستش را دراز میکرد و سرونه قضیه را زود بهم می آورد -

عمر انفرادی به یکماه کشید و پس از آن به میان زندانیان دیگر رفتم سلولی که تنها حش این بود که کسان دیگری هم در آن بودند و از تنهائی خلاص شده بودم جای تکان خوردن نبود یک اطاق سه در چهار نمود و تفتیده از گرما ، با سبزه نفر با کمی کمتر یا گاهی بیشتر - اگر چه تنهائی برآمده بود اما شاهد شکنجه ، بیماری مرنج و مفقت دیگران عدم که وضعی بمراتب بدتر هم داشتند - ولی چشهای پر کینه نشان انسان را دلگرم میکرد و سستی جمهوری و ظلم او را در عمق چشمان نشان میدیدم که سرفار از امید و ایمان به پیروزی بود دند و احساس همدردی -

خیلی زود فهمیدم که غذای زندان بر اساس آمار افران نیست و هر چه بر تعداد آن افزوده شود مقدار غذای یادتر نمیشود و از اینرو شک زندانی هموار گرسنه است - ماهها صبح و ظهر و عام نان و پنیر می دادند و آنها به اندازه ای که عکها سیر نشوند - هفته ای یکی دو روز وقتی که ته مانده های سفره پاسداران زیاد می شد نان خشک داشتیم و گویی نان را خالی میکردند تا ما از لابلای پوست خربزه و تمسنگار و آفتالهای دیگر مقداری نان سوا کنیم و به سق بکنیم ، این " نان خفکها " بیسکویت زندان شده بود ، وقتی که پاسداری با دو گویی نان خشک دیده شده بود ، از او پرسیدند که اینها را برای چه می خواهید و مزدور جواب داده بود برای گاوها ایمان - ما در ایرانم هر گاوداری داریم و پس از چند روز نانها را بین زندانیان تقسیم کردند غذای عمومی

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



باید برگردی این مدت برای افراد سلولهای انفرادی به ۵ دقیقه کاهش می‌یابد و همواره بعد از پایان مدت با بدنهای نیمه‌سته و سروروی مابونی باید به سلول بازگفت. بسیار اتفاق می‌افتاد که در فاصله دو وقت‌باز کردن نوبت سلولها زندانیان احتیاج به توالی پیدا می‌کردند و دربها را برای آنها باز نمی‌شد و آنها ناچاراً در سطل داخل سلول قضاوت می‌کردند و این خود بر تمامی وضع اسفناک بهداشت می‌افزود.

گزارشی ...

را بعدی بخشم آورده بود که به در و دیوار می‌کوبیدند البته دیگهای غذا را پس دادند و به آنها گفته بودند که وضع غذای زندان خوبست و احتیاجی به این غذای عمو نیست رهگذران جاده بمپور شاهد این ماجرا بوده‌اند و با کینه و نفرت از پاسداران یاد می‌کرده‌اند با همه تلاشی که مسئولان زندان می‌کنند تا اعتراضات زندانیان را بشکل شکایتنامه و درخواست از مسئولین بالاتر سوق دهند اما زندانیان بخوبی میدانند و در عمل بارها شاهد بوده‌اند که این فریبی بیش نیست و مسئولان خود جانیان بالفطری هستند که از آزار زندانیان لذت می‌برند و این سوختن منافعی است که سرکوب نیروهای انقلابی برای آنان دارد.

اعتراضاتی مثل کوبیدن دربها خاصه در مواردی که جمعی انجام می‌شد اگرچه سببیت آنها را دامن میزد اما موجب هراس و ترس آنان می‌گردید.

زندانیان عبارت است از ۱۲ تا ۲۴ نفر یک زمین مربع شکل که یک حوض داخل آن است. دربها همیشه بسته است و زندانیان همبندان اتاق بغلی خود را نمی‌بینند. ساعات مشخصی برای شستن ظروف و استحمام و توالی زندانی را از سلول خود خارج می‌کنند این مدت به ترتیب از اتاق یک آغاز می‌شود و چهار نوبت انجام می‌گیرد صبحها ظهرها و عصرها و شبها. صبحها ۵ دقیقه، ظهرها ۵ دقیقه و عصرها ۵ دقیقه و شبها پانزده دقیقه است. در این فاصله زندانی باید ظرفها و لباسهای خود را بشوید حمام کند و به توالی برود با سه تا حمام و چهار دستشویی و تعداد سیزده نفر زندانی این مدت بقسری کوتاه است که هنوز کارها تمام نشده

زندانی معمولاً آبگرمی بود که چند تکه استخوان و مقدار زیادی آب به آن اضافه کرده بودند و مقداری لوبیا و سبزی که معلوم نبود علف است یا سبزی در آن غنور بود آتش سیاهی که بهم می‌چیز مانند بود جز آبگرمی یا سبب زمینی آب پز و یا نان و پنیر بدون چاشنی از اینرو زندانی همواره از سردهای شدید معده در عذاب بود و سردهای شدید در اثر خوراک روزمره نان و پنیر و فقر غذایی کم‌سوئی چشم و هزاران بیماری دیگر زندانی را در جنگال خویش می‌غرد. آب زندانی نیز از سرچشمه‌های بیماریهای دیگر بود زیرا سرشار از املاح معدنی و پر از گچ و نمک بود و نخیره آب هرچند روز یکبار صورت می‌گرفت و از شهر به زندان منتقل می‌گردید. حوضچه‌ای وسط محوطه زندان بود که پاسداران مزدور در آن هرروز آب تنی می‌کردند و هر از گاهی زندانیان مجبور به استفاده از این آب برای خوردن بودند آنها به اندازه یک پارچ برای یک سلول ده دوازده نفری آبی تقریباً بجوش آمده از گرمای آفتاب تمیز کردن این حوض نیز جزو وظایف زندانیان محسوب می‌شد. بیماریهای پوستی و کلیوی ره آورد این آب آلوده بود. و ما ظهرها در بدترین شرایط عاهد بازی و خنده و خوشی پاسدارانی بودیم که تنهای کثیفشان را در آب حوضچه میدان می‌شستند و یا عیبها در میدان والیبال تا پاسی از شب گذشته به بازی و تفریح مشغول بودند و آرامش ما را سلب کرده بودند تا حتی در ساعات ظهر و شب نیز اندکی فارغ نباشیم و هر از گاهی با زدن توپ بازی خود به درب آهنی سلول آرامش ما را گرفته بودند مقاومت و اعتراض شکل مخصوص خود را داشت و با شرایط زندان منطبق شده اندک اندک علی‌رغم کوششها سختگیرانه رژیم شیوه‌های جدید مبارزه کشف می‌شد مثلاً اعتراض به بدی غذا و کم بودن معمولاً اخبار زندان به بیرون داده می‌شد و پدران و مادران تقریباً در جریان کم و کیف قضایا بودند و یکبار هم برای افتاگری و اعتراض زندانیان به والدین خود گفته بودند برای ملاقات بعدی با دیک غذا بیایند. این حرکت مزدوران

اخبار ...

ایران شهر - مهرماه ۷۴:

یک نفر بسیجی از طایفه بامری که به آزار و اذیت توده‌های مردم بیش از حد متعارف می‌پرداخت توسط عده‌ای ناشناس ترور شد و پاسداران بدون اینکه بتوانند حمله‌کنندگان را شناسایی کنند فرد بسیجی را که شدیداً زخمی شده بود به بیمارستان منتقل کردند.

زاهدان - مهرماه ۷۴:

در تاریخ ۱۵ و ۱۶ مهر ماه کمیته ایها ضمن هجوم به پاساژها جوانان مجتمع در این اماکن را بازداشت و به مراکز نظامی اعزام می‌دارند از جمله شلوغترین پاساژها که محل تردد جوانان بیگار شهر است پاساژ برادران زاهد است که در این روزها یکی از تله‌های رژیم برای سرپاگیری بود. که اکثر جوانان موفق بفرار شدند و تعداد کمی به جنگ مزدوران رژیم افتادند. رژیم در پی دستگیری آنان بدون آنکه هیچ اطلاعی به والدینشان بدهد آنها را روانه پادگانها می‌کند.

ایران شهر:

در حوزه زینبیه ایران شهر یکی از طلبه‌ها با زنی رابطه نامشروع برقرار می‌کند. این رابطه توسط شوهر زن لو میرود، کوس رسوائی آنان علی‌رغم تلاش برای فیصله دادن قضیه در شهر نواخته میشود.

زندانی سیاسی بقدرت توده‌ها آزاد بایدگردد



هفته ۴۰۰ ...

داشته عده بودند تا مردم این استانها را تحت تاثیر تبلیغات غویبی قرار داده و به حمایت از رژیم و رفتن به جبهه ترغیب نمایند. عبادی امام جمعه زاهدان به همراهی سردمداران رژیم همراه این کاروانها به شهرهای استان (ایران شهر مچا بهار سراوان مخار و زابل و زاهدان) سفر نمود. این هفته نیز مصافح با هفته بسیج بود و میلنگ مزدور با استفاده از این تقارن به پاوه گوتیپهای همیگی خود ترساره شرکت در جبههها پرداختند و از "اقتار مختلف مردم مسلمان چه سنی و چه عجمه" اعم از کارمندان دولت و کارگران و... خواستند که در "کاروان بزرگ کرپلا" که در مورخه ۳۳ آذرماه بسوی جبهه‌های جنگ حرکت می‌کنند شرکت نموده و قادیاری خود را به رژیم ثابت نمایند. در روستا های گفت و سوران در حوزه‌های علمیه سنی‌ها با حضور فرماندار و مسئولین رژیم و کاروانهای اعزامی و عبادی امام جمعه زاهدان جلساتی برگزار شد و ضمن صحبت درباره وحدت یکباردیگر از دانش آموزان و معلمین دبیرستانها و مدارس راهنمایی خواسته شد که در جبهه‌ها شرکت فعال بکنند و آنها را به راهپیمایی دعوت کردند اما تنها افراد حزب الهی و بسیجی در این راهپیمایی شرکت نمودند و از نماینگاه عکسی که از جبهه‌ها در محل بسیج سپاه سراوان تشکیل عده بود. بنفرت کسی باز دیدی بعمل آورد و نماینگاه محصولات کشاورزی که در این شهر برگزار عده بود با همین بی‌اعتنائی از سوی توده‌ها روبرو بود و در آخر خود نیروهای بسیج و سپاه با لباس فرم نسبت به راهپیمایی ممانور در شهر زدند. این کاروان در ایران شهر نیز ضمن شرکت در صبحگاه مشترک نیرو- های مسلح در قبرستان "شهدا" به تبلیغات پرداختند. در بخش "راسک" با حضور عبادی در مجد اهل سنت سخنرانی برگزار شد و از مردم تقاضای کمک مالی به جبهه‌ها و شرکت در جبهه صورت گرفت و فرونگاه "شهر روستا" افتتاح عده. عبادی خائن همراه با مدیرکل صنایع و کاروانهای اعزامی از کارخانه‌های کارتن سازی هکولر سازی و خودکار سازی در مسیر بخش بمپور

ایران شهر باز دید نموده و در این دیدار کوشش داشتند تا کارگران را به کار بیشتر و رفتن به جبهه‌های جنگ ترغیب نمایند. کاروان ارتجاع و فریب در چاه بهار نیز نماز وحدت بیسن نیروهای مسلح مستقر در کنارک با حضور ابهری یکی از آخوندهای اعزامی از قم در پاینگاه نیروی هوایی برگزار کرد در این مجلس نیز کاسه گدائی رژیم برای کمک به جبهه‌ها نراز بود در پی اطفای عطش سیری ناپذیرش برای خونریزی مردم را به قربانی شدن در مسلخ جبهه‌ها دعوت می‌نمود. نماینده خمینی در گیلان و امام جمعه رشت که سرپرستی کاروان گیلان را بعهده داشت مبلغ هفتاد هزار تومان برای گسترش امور تبلیغات در منطقه چاه بهار به فرمانداری می‌پرداخت تا به ارگانهای تبلیغاتی رژیم تحویل نمایند. مبلغ فوق در دستهای سفید و کارنکرده حاجی آقای رشت خونابه دل مردمی است که بزور فریب و تحمیق و سرکوب و اجبار از آنان اخاذی گردیده است و صرف تبلیغ (بعنوان تحمیق مردم) میشود.

کاروان اعزامی از قم و یزد و تبریز و بلوچستان با همراهی آیت الله خزعلی عضو شورای فقهی مجلس و عبادی خائن و سردمداران رژیم در استان، در مجد حکیم زابل اطراق نمود و ضمن تقاضای عاجزانه از سوی خزعلی و عبادی از رژیم برای تاکید بیشتر بر وحدت جبهه اسلام بیانی امام جمعه تعبیح و مولوی لال محمد اریایی بیاس خوش‌خود متبها یمان بعرفیافت هدیه نائل آمدند. کاروان با همه قدرت دولتی که در دست داشت نره‌ای در بی‌تفاوتی توده‌ها نسبت به خود تاثیر نگذاشت و هر کجا رفت با بی‌اعتنائی توده‌ها روبرو شد و خشم و کینه مردم را نسبت به رژیم لمس کرد اما این دریافت تازه‌ای نبود زیرا که سالهاست رژیم میداند بلوچستان رام نمی‌خورد، اگرچه بچنگ آمده باعد آنچنانکه کرستان و آنچنانکه سراسر ایران. اما چاره چیست، تا روز مرگ محتوم باید به هر خاهاکی متوسل شود و تهدید کند و اجبار و زور به کار برد همچنانکه سپاه ضد غلغی برای انتقام از رسوائی عدم حرکت توده‌ها در این مراسم ناچاران اعلام کرده کارگران و کارمندان موسا بایستی در کاروان بزرگ ۳۳ آذر حرکت

کرده و از بلوچستان به سوی جبهه حرکت کنند در پاره‌ای ادارات ایسن رسوائی به قدری آشکار است که مجبور شده اندبرای جبران عدم حرکت دا و طلبانه کارکنان قرعه‌کشی راه بیاندازند و قربانیان جبهه را بقید قرعه انتخاب کنند. روز آخر هفته در سراوان عبا- بانها بنست بسیجی‌ها و افراد حزب الهی چون جشنهای فرمایشی شاهانه چراغان در تمام طول هفته مردم با همه بوق و کرنا ی رژیم کوچکترین شرکتی در این مراسم نکردند و عدم استقبال توده‌ها از این مراسم مرتجعین را وادار کرده بود تا هنگام نماز به مساجد روی بیاورند که مردم بیشتری در آنجا هستند اما این ترفند هم نگرفت زیرا مردم دسته دسته مجلس را ترک کرده به کار و زندگی خود می‌پرداختند و این بی‌اعتنائی سردمداران را چنان به‌خشم آورده بود و چنان ناامید کرده بود که در امر وحدت تنها به وحدت کارمندان در ادارات اکتفا کرده و آن را نمونه وحدت می‌شمرند. زیرا که این کارمندان در کنار هم بکار مشغولند! عقل سفیهان ناطح قضا یا بیشتر بی‌بهره‌ی آنان نمیدانند آنچه مایه وحدت بیسن مردم است امروز نفرت زابلا لومفشان از رژیم خون‌آمام خمینی است و سرنوشت و گفنان مشابه و همانند است که آنان را بیکدیگر متصل کرده است و چون تنی واحد طومار رژیم پوهالی آنها را درهم خواهند پیچید مردم خواهان رفع ستم ملی و منهبی و جدائی بیسن از سیاست هستند. آنها بر سر عجمه و سنی بودن با یکدیگر هیچ دعوائی ندارند بلکه دعوی آنان، با کسانست که می‌خواهند خود را بر دیگران تحمیل کنند. آن طبقه‌ای که زحمتکشان خود را استثمار میکند و ستم از گرده آنان می‌کشد و خود را بر دیگر ملتها نیز مسلط می‌کند و زحمتکشان آنها را نیز به یاری طبقه حاکمان زیر فشار و استثمار هرچه بیشتر فرار میدهد حرفش اینست: هرچه من می‌گویم اگر قبول کردید وحدت است و گرنه جدا نیست وحدت بزیر عبا ی امام آنقدر کهنه و مفتضانه است که چیزی جز حلقه بگوشی سخن و تکه استخوانی از شمره غارت توده‌ها نصیب متحدین نمی‌کند و جز سرمایه‌داران و همپالگنها یشان و جز





ضرورت...

تاثیر تبلیغات نیروهای مترقی بخصوص هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق قرار گرفته به مبارزه مسلحانه که بعدی سیاسی داغ و خواهان حق تعیین سرنوشت بودند، روی آوردند و عدهای دیگر که مستقیماً از سوی خوانین حمایت میشدند به راهزنی و مسابزه اموال عموم مردم پرداخته و آنها را سرفعیش و نوش خود و خوانین می کردند و در پناه اسلحه به فروشی و اشاعه مواد مخدر نیز می پرداختند.

رژیم که از مقابله با این گروهها عاجز بود به حقه ای جدید دست زد و درگیریهای طایفه ای را برجسته نمود تا از این طریق عده ای خود فروخته و ماهیتاً خائن و جاسوس را با دادن رشوه های کلان و امتیازات فراوان بخود جذب نماید و در مقابل گروههای مسلح که عقاید سیاسی داغند قرار دهد. همچنین عده ای از افراد مسلح خوانین را برای مقابله با بلوچهای مسلح بسیج کرد تا از این رهگذر بتوانند ضرباتی بر آنها که هنوز با اندازه کفایت متشکل و متحد نبودند وارد آورد. رژیم برای پیشبرد اهداف خود از هیچ نقیله و خدایانقلابی و حتی جمع آوری بدنام ترین لمپن ها و گردنه بگیران نریسغ ننمود تا آنها را پایگاه توده ای خود در بلوچستان جایزند که با تحمل هزینه های سرسام آور به ایجاد و گسترش دامنه نفوذ خود در میان زحمتکشان، فراتر از عده ای خود فروخته هنوز موفق نشده است.

اینکه که سرنگونی رژیم در چشم انداز است و قیامی دیگر در حال شکل گیریست و باید برای رهبری قیام به تدارک نصت ضرورت اتحاد گروههای مسلح بلوچ بیس از هر زمان دیگری به امری حیاتی تبدیل شده است. گروههای مسلح که اینک به عمق فساد رژیم سرمایه داری تا حدودی آگاه شده و به این واقعیت پی برده اند که با وجود رژیم جمهوری اسلامی تحقق هرگونه خواسته های آنها ناممکن است و نیز باید به این امر واقف گردند که هیچ یک از آنها بتنهاهی قادر نیستند ضربات جدی به رژیم وارد آورند، پراکندگی و تشتت فقط نیروی آنها را هز می برد و نیروی نامتحد

آنها آن کارآئی را که بتواند خطری جدی برای رژیم بحساب آید محسوب نخواهد شد. اما زمانی که این نیروی پراکنده تحت رهبری یک فرماندهی منجم و مقتدر برآید و توسط این فرماندهی مقتدر مبارزات پراکنده به یک مبارزه یکپارچه و همه جانبه تبدیل گردد قدرتی با کیفیت بمراتب عالی تر از تک تک گروههای مسلح پراکنده حاصل شده، به مراتب تدارکات تسلیحاتی و انجام عملیات نظامی هماهنگ، تبلیغات سیاسی، سهل تر انجام خواهد گرفت. این وحدت قادر خواهد شد قشر وسیعی از زحمتکشان را بدور اهداف سیاسی و پلاتفرم انقلابی خود که همانا در رأس مدار آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت مردمی یعنی جمهوری دمکراتیک خلق قرار دارد جمع آوری کند، اتحاد ساده و مکانیکی گروههای مسلح کافی نیست آنها باید بدور یک برنامه انقلابی متحد و متشکل شوند و این پلاتفرم انقلابی نمی تواند با خوانین و ضدانقلاب مغلوب مرزبندی نداخته باشد و نمی تواند از برنامه حداقل پرولتاریا که در آن حقوق خلق بلوچ یعنی حق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده است کوتاه بیاید حق تعیین سرنوشت به این مفهوم که خلق بلوچ در جمهوری دمکراتیک خلق از وسیع ترین اختیارات اقتصادی سیاسی فرهنگی برخوردار خواهد بود.

نکته دیگری که شایان توجه است و با اتحاد و یکپارچگی مفایرت دارد تنگ نظری های گروهی و عشایری میباشد که باید با آنها وداع گفت. گروههای مسلح باید بدانند که این منافع در قبال اتحاد برای سرنگونی رژیمی که بر سراسر ایران چنگ انداخته و زحمتکشان را زیر سیطره خود قرار داده آنقدر بی ارزش هستند که براحتی قابل اغماض میباشد و هر نیرویی که بخواید منافع تنگ گروهی خود را ارجح به مصالح انقلاب سرتاسری بداند در چهارچوب همان منافع تنگ گروهی است و پس خواهد زد و به زمین و زمان کینه خواهد ورزید و از درون خواهد پوسید.

گروههای مسلح باید آگاه باشند که وحدت آنها بیس از هر زمان دیگری برای سرنگونی رژیم منحوس جمهوری اسلامی حیاتی است و بدون این اتحاد و همچنین اتحاد خلق بلوچ با سایر

خلقهای ایران پیروزی هرگز امکان نخواهد داشت. همچنین گروههای مسلح باید بدانند که عملیات کور نظامی بدون هدف سیاسی هرگز قادر به درخطر انداختن سلطه سیاسی رژیم نخواهند بوده باید به مبارزات مسلحانه آگاهی بخشید. روحهای عقب مانده عفا پیری را حتی در تاکتیک نظامی کنار گذاشت و از فنون جدید بهره جست عملیات نظامی را با شیوه های جدید مبارزه توأم نمود و از آن در جهت بسیج و متشکل کردن توده های زحمتکشی استفاده کرد. عملیات نظامی به غیر از بهره جویی اهداف سیاسی به هر هدف دیگری انجام گیرد محکوم به شکست خواهد بود.



هفته ...

فریبکاران و انگلهائی که از خون مردم تغذیه می کنند کسی به این ندای "وحدت" گوش فرا نخواهد داد. بیچاره عمینی و رژیم که نمیدانند وحدت در پس پرده های سیاه اختناق آنها هرچه محکمتر میان خلقهای سراسر ایران منعقد شده است و چنان عقد تاریخی میان این ستمدیدگان استحکام می یابد که دست در دست هم بی آنکه هیچیک بر یکدیگر امتیازی داشته باشند، بی آنکه هیچیک در اندیشه مسلط کردن دینی بر دین دیگر باشند، بی آنکه دین را در سیاست دعالت نمند، یکدل و یکپارچه به سرنگونی او کمر همت بستانند. آنها وحدت را در عرصه عمل در حرکات و اعتراضات یکپارچه خود نشان خواهند داد آنچنانکه نشان داده اند. هرچه مستحکمتر باد این وحدت شکست ناپذیر علیه وحدت سرمایه داران.



اخبار...

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

در تاریخ ۱۸ آبان هنگام مسابقات افتتاحیه والیبال شهر زاهدان بین ادارجات در سالن ۷ تیر آغاز شد در اثنای برگزاری مسابقات آموزش و پرورش و شهرداری تماشاچیان سوت کشی و کف میزدند. فرد حزب الهی که پشت میکروفون بود از تماشاچیان عاجزانه میخواست که بجای این کارها تکبیر بگویند یا صلوات بفرستند اما تماشاچیان او را مسخره کرده و به کف زدن خود ادامه میدادند. مسئولین امنیتی از ترس اعتراضات توده‌ای تمامی سالن و محوطه را توسط مزدوران شهرپانسی قرق کرده بودند.

خاخر - آبان ماه ۶۴:

روستائیان فقیر و محروم این شهرستان با وجود داشتن دفترچه سهمیه بندی از دریافت هرگونه کالاهای محرومند. مثلاً اهالی ناصری تاکنون يك كيلو تخم مرغ هم دریافت نکرده اند این توزیع ناعادلانه در خون جمهوری اسلامی جریان دارد. رژیم کمرمایدان را در تقویت می کند مخیلی طبیبی است که به محرومان آذوقه هم نرساند و تنها برای چپاول سرو کلاه پيدا شود.

زابل - آبان ماه ۶۴:

برای چندمین بار در ماههای اخیر از زابل و روستاهای فقیرنشین آن نیرو برای جبهه گردآوری می کنند. در نوبت اول حتی دانش آموزان اول راهنمایی و پنجم دبستان را از روستاهای زابل برای اعزام به جبهه به زاهدان آورده بودند. نوره دوم نیز اعزام افراد بین ۱۲ تا ۱۴ ساله به وفور به چشم می خورد. رژیم با زور و ارباب و تحمیل و جوسازی کودکان مردم را می فریبد و به مسلخ جبهه ها روانه می کند.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

بدنبال فشار مستمر بر دانش آموزان برای کمک و اعزام به جبهه های جنگ اخیراً در کلیه مدارس و حتی کودکانها اعلام شده که دانش آموزان باید بهر طریق ممکن به جبهه ها کمک کنند. محتی مدیر يك مدرسه گفته است دانش آموزانی که پول ندارند از خانه هایشان قند و ناید و روغن نباتی و... بیاورند. وقاحت رژیم مرز نمی شناسد از آنسو آزادی سرمایه داران و از این سو سرکشی کردن مردم.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

بدنبال فشار روز افزون بر توده ها و افسار کارمندان دودن پایه آنها را از سرویس ایاب و نهاب نیز محروم کرده اند و آنها مجبورند یا پیاده بر کار بیایند یا مبالغ زیادی کرایه جهت رفت و آمد از حقوق ناچیز خود بپردازند. اخیراً این قانون از ۱۸ آبان شامل حال کارمندان بهداری زاهدان (پیشگیری مالاریا) مدیریت مالاریا نیز شده است. بهانه رژیم اینست که سرویسها را به جبهه ها تحویل میدهد.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۲ نفر از افرادی که قصد خروج از مرز را داشته اند توسط گشت کمیته در مرز میرجس اوه دستگیر شده اند. این افراد به مرکز کمیته و سپس به ساوا ما تحویل داده شده اند. عدم شناخت آنها از مرز باعث لو رفتن آنها میشود. اخیراً این موارد دستگیری بسیار زیادتر شده است.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

در مورخه ۱۲/۸/۶۴ تعدادی برجیب حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدایی خلق متحد هوید توسط رفقای هوادران در دستخوشی گاراژ ایران پیمان نصب میشود. بعدت چهار یا پنج ساعت این برجیبا همچنان در معرض دید مسافران قرار داشته اند تا اینکه مزدوران به سپاه و ساوا ما اطلاع داده برجیبها را پاره می کنند. توضیح اینکه این گاراژ پر رفت و آمدترین و خلوغترین گاراژهای استان است.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

۵ نفر از کارمندان شبکه بهداری استان از کار خود برکنار شدند. اسن بدنبال تصمیمی است مبنی بر برکناری ۵ درصد از کل کارمندان استان که در اشکال اخراج و بازنشنگی و پاکسازی صورت می گیرد. لیست بقیه افراد به تهران فرستاده شده تا تصمیم گیری شود. موج بهدویبه اخراج کارمندان کماکان در ادارات ادامه دارد.

زابل - آبان ماه ۶۴:

معاون عمرانی وزیر مسکن و شهر سازی جهت بازدید از طرحهای اجرایی منطقه وارد زابل میشود. وی در بدو ورود خود ابتدا از ندامتگاه جدید الاحداث رژیم که با میلیونها تومان ساخته شده است بازدید می کند و سپس از دیدار از پاسگاههای مرزی زابل اعلام می کند این طرحها هرچه سریعتر باید پیش رود چون باعث ثبات منطقه می گردد. معنای عمران و آبادی را در جمهوری سرمایه داران مشاهده کنید که چگونه طرحهایی در نسا اجرا دارند. زندان و پاسگاه عمران و آبادی محسوب میشوند. کسانی که دانشگاهان زندان است باید زندانان دانشگاه باشد و آبادانی پاسگاهها و زندانها در این رژیم عمران و آبادی و کشتار خلق خدمت به خلق محسوب میشود.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

اخیراً مرغ و تخم مرغ در سطح استان به شدت کمیاب شده است. مسئولان تقسیم کالا با شروع فصل سرما به احتکار این مواد غذایی دست زده و برای گران کردن آن در بازار آزاد کالاهای را انبار می کنند و در وقت مقتضی میفروشدند. کمبود این مواد به اضافه وضعیت بد نان موجب ناراضیتهای مردم و اعتراضات آنان شده است.

زاهدان - آبان ماه ۶۴:

بدنبال اخراج معلمین حق التدریس و حتی رسمی عده ای از این معلمین به آموزش و پرورش مراجعه کرده تقاضای بازگرداندن خود را بسرکار نموده اند و آموزش و پرورش تاکنون هیچگونه جوابی به آنان نداده است.



اخبار...

چاه بهار - مهرماه ۶۴:

تقسیم زمینهای شهری بین مردم - داران رژیم ۰ بدنبال غصب بهترین اراضی شهرها و روستاها توسط مزدوران حکومتی اخیرا هزار متر از بهترین زمینهای چاه بهار فرماندار غصب و به استاندار که از فامیلها ی شخص مذکور است و اگذار می گردد تا در موقع مقتضی بفروشد برساند زیرا در چاه بهار نرخ زمینهای شهری بنحوی سرسام آور بالا می رود .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

در تاریخ ۳۰ مهرماه مزدوران کمبته و شهربانی در حین تعقیب یک ماعین سیمرخ در خیابان جام جام و تیراندازی بسوی ماعین در حال فرار دو نفر عابر بحدت زخمی میشوند ایندو عابر يك دوچرخه سار و شاگردش هستند که حال آنها بحدت وخیم است و طبیب گزارش رسیده راننده سیمرخ نیز مجروح شده است و ماموران سرنشینان ماعین را دستگیر کرده اند .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بدنبال کثر سهمیه نانوايان ۰ اعتراضات مردم برعلیه کمبود نان اوج گرفته است و صفهای طویل در جلوسوی نانوائیها تشکیل میشود و در آخر نان به همه مشتریان نمی رسد و باعث درگیری مردم با مسئولین نانوائی میشود آنها صراحتا می گویند که رژیم سهمیه آرد آنها را کم کرده است . این مشکلات موقعیست که رژیم در بوی و کرنا ی تبلیغات تی خود می گوید ما در امر کشت گندم به خودکفائی رسیده ایم و گندم از خارج وارد نمی کنیم .

سراوان - مهرماه ۶۴:

بدنبال عملیات یخچر در سراوان مزدوران کمبتهچی در گشتهای خودخصوصا در شب هر عابری را توقیف و بازرسی بدنی می کنند .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بسیارند افرادی که نان آور خود را در معاف با رژیم از دست داده اند و عده بسیار قلیلی که خانواده توابعین جزو آنها هستند مقرری ماهیانه دریا - فت میدارند و رژیم ماهیانه مبلغ ۱۸۰۰ تومان به این خانواده ها میداده است اما اخیرا بدنبال قطع این کمک یکی از مستمندترین این خانواده ها که پریشان و عصبانی بوده با پرخاش به مزدوران خمینی آنها را قاتل و جلاذ می نامد اما سرسپردگان رژیم اورا چنان مضروب می کنند که با مرک فاصلهای نداشته است .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بدنبال تقاضای جمهوری اسلامی از خوانین سرسپرده برای بازگشت به ایران توسط سرهنگ ریگی یکی از خوانین بلوچستان از کریم بخش سعیدی نیز دعوت بعمل آمده است و طبق اطلاعات رسیده سپاه پاسداران خواستار میزان بدهیهای کریم بخش سعیدی از بانکها شده است .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

جبهه اللام غدیری حاکم شرع جنایت پیشه زاهدان که پاکستانی الاصل بوده (از هزاره های پاکستان) و از طرف جمهوری اسلامی به این پست گماشته شده بود . و ضمن جنایات رسمی که حکما شرع باید انجام دهند به تجاوزبیزنان زندانی و رشوه خواری و گرفتن قالیهای نفیس از زندانیان و آزاد کردن آنان و ۷۰۰ هزاران فساد دیگرست می زند . بررسی این رسوائی و افشاعده در ملا عام حتی ورق پاره های رژیم نیز ناچار به اعتراف شده و اعلام می کنند که پرونده او در دست بررسی است و او را از کار برکنار کرده اند . اما او شبانه با يك موتور از مرز میرجاوه به پاکستان می گریزد . گردانندگان جمهوری تباهاکار و فاسد اسلامی همین اوباشانی هستند که چون غفای بر جان و مال و ناموس مردم افتاده اند . آنها بدانند وقتی که خلق به انتقام برخیزد تکه بسزرك آنان گوسفان است و از جمهوریشان جز نامی نماند و سیاه باقی نمی ماند .

زاهدان - مهرماه ۶۴:

حساب امام ، این بنگاه رشوه خواری علنی و سنگر سرمایه داران برای چپاول خلق از رشوه های کلان انباشته میشود و هر سرمایه دار برای هر غارت خود مبلغی ابتدا بعنوان رفیع قضا بلا از خود به حساب امام واریز می کند تا در جریان دزدی اگر مسئله ای برایش پیش آمد امام به یاریش بشتابد . سرمایه داران بلوچ نیز از این قاعده مستثنی نیستند . در روزگاری که مردم از گرسنگی و بی خانمانی و بیکاری و ۰۰۰ رنج می برند آنها با پرداخت میلیونها تومان به حساب امام هتلها ی سرفلک کشیده و ساختمانهای چند طبقه با بهترین مصالح می سازند . چنانکه در ماههای اخیر شاهد ساختمان هتل بهار در چهار راه رسولی و چندین هتل و بازار تجارت با هزینه های گزاف بودیم صاحب هتل بهار برای مصون ماندن از گزند امام چهار و نیم میلیون تومان قبلا بحساب امام واریز کرده است .

میرجاوه - مهرماه ۶۴:

در تاریخ ۱۰ مهرماه تعداد ۱۸۵ نفر شامل ۸ دختر و ۶ پسر و ۲ بچه خرسال هنگام قصد خروج از مرز ایران در چند کیلومتری میرجاوه - پاکستان بدام گت کمبته و ژاندارمری می افتند نامیردگان را چشم و دست بسته به داستانی انقلاب زاهدان می آورند و پس از ۶ روز شکنجه و بازجوئی چون اطلاعات دقیقی از هویت آنها بدست نمی آورند آنها را تحویل سپاه داده به مرکز ساوا ما منتقل می کنند . تاکنون اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نیست .

۶۴/۷/۱۷:

بموجب تصویب هیئت وزیران موسسات و ادارات دولتی موظفند هرگاه سپاه و بسیج ضروری بدانند ۲۰٪ از پرسنل خود را چه از طریق داوطلبی یا اجبار بسوی جبهه ها اعزام کنند . کارمندان در مقابل این مصوبه با عزم می گفتند اگر حتی اخراجمان هم بکنند به کشتارگاههای رژیم نمی رویم و تنها مزدوران انجمن اسلامی و جاسوس رژیم داوطلب اعزام به جبهه ها میشوند .



اخبار...

سراوان - مهرماه ۶۴:

بدنبال ورشکستگی اقتصادی دم - افزون رژیم، اخاذی از کسبه و دکه داران و ... بعنوان کمک به جیبها به زور و سیسہ ادامه دارد. حتی با تلاش بسیج اقتصادی و فرمانداری از مردم بعنوان کمک به جیب پول گرفتند تا حقوق معوقه کارمندان بسیج اقتصادی را بپردازند.

سراوان - مهرماه ۶۴:

طبق بختنامه از سوی آموزش و پرورش به کلیه دبستانها، مدارس را - هنمایی، دبیرستانها و آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای هر يك از این آموزشگاهها موظفند يك نفر از معلمین یا رئیس آموزشگاه را بعنوان مسئول تبلیغات جنگ و جمع آوری کمک از دانش آموزان معرفی نمایند حتی دفتری برای اداره امور جنگ در مواردی برپا کنند اما با عدم پذیرش این مسئولیت از سوی آموزگاران به تنگ آمده از جنایات رژیم اداره آموزش و پرورش مجبور شد افراد را با حکم کتبی و اجبارا به این سمت برگمارد.

سراوان - آسپنج - مهرماه ۶۴:

بعلمت قرار گرفتن تعداد زیادی از خانه‌های مسکونی همکده‌های آسپنج و محمدی در مسیر برق فشار قوی دستور تخریب این خانه‌ها و دیوار منازل ما در میشود اما علی‌رغم اینکه خط برق از وسط خانه حاجی نورجان سرمایه‌دار مز دور می‌گفتند با وساطت مولوی مدنی (مهره رژیم در مجلس) به جهاد سازندگی دستور تغییر خط برق داده میشود و حاجی نورجان برای سپاسگزاری مبلغ ۷۵۰۰۰ تومان بلافاصله به حساب جهاد واریز می‌کند. این بده بستان سرمایه‌داران موجب خشم و کینه مردم محروم منطقه است.

سراوان - سوران - مهرماه ۶۴:

مصادف با هفتۀ جنگ ژاندارمری سوران برای اقدام به مانور از سوی ژاندارمری و رژه در محل معاون خود را جهت پاکسازی محله از خودروهای پارک شده و سایر وسایل نقلیه و تعطیل مغازه‌ها به بازار می‌فرستند. در این اثنا جوانی روستائی که بی‌خبر سر می‌رسد، ما عین خود را در محل پارک می‌کند و با معاون پاسگاه درگیر میشود او به معاون پاسگاه می‌گوید مگر شما توپ و تانک هستید که نمی‌توانید از این خیابان عریض بگذرید. نظامی مزدور که سخت تحقیر میشود با مشت به صورت جوان می‌کوبد. جوان روز بعد به دادگستری مراجعه کرده و شکایت میکند اما او را به ژاندارمری حواله میدهند و او پس از مراجعه به ژاندارمری با هتاک و بدوبیراه مسئولین روبرو میشود. جوان که سخت خشمگین شده است فردای آنروز به اتفاق فامیل‌های خود به ژاندارمری حمله و انتقام خود را می‌گیرد. پس از این عمل ژاندارمریها به روستا رفته و چندین نفر را بازداشت می‌کنند هم‌اکنون عده‌ای از آنها آزاد شده و پنج نفر دیگر در بازداشت رژیم بسر می‌برند. مردم زحمتکش بخوبی آگاه شده‌اند که باید خود حق خویش را بازستانند و این نشانه درک و آگاهی آنانست از ماهیت رژیم.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

گسترش موج طلاق در بین مهره‌ها و عوامل رژیم:

گسترش موج طلاق در بین مهره‌ها و عوامل رژیم بنحوی چشمگیر شمره از دواج‌های هوس‌آلود و جبارانه آنان است که بزور دختران را وادار به ازدواج با خود کرده‌اند و اینک پس از دستیابی به نیات پلید خود آنان را با همان "سی تومان پول و یک جعبه غیرینسی" بی‌هیچ کمکی رها میکنند. و این نیز نمونه‌ای از فساد اخلاقی در بین نیروهای رژیم است که با استفاده از قدرت خود هر روز به ازدواج یا اشکال توجیه عده فحشا چون سیغه و ... مشغولند و این صرف نظر از اخبار و حقیقتناک زندان‌ها مبنی بر تجاوز به زنان زندانی و دیگر اشکال تجاوز است.

ایران شهر - مهرماه ۶۴:

عده‌ای از قاچاقچیان معروف چاه - بهار علاوه بر رشوه‌های پنهانی که به عمال دولت میدهند اینبار بازگشت قربانی نمایندۀ امام و رئیس دادگاه انقلاب را از حج بهانه قرار داده يك دستگاه ماشین گادیلک سواری به او پیش کف نمودند تا از گزند نمایندۀ امام و عمال حکومتی چون همیشه آسوده باشند و بکار خود ادامه دهند.

ایران شهر - مهرماه ۶۴:

رژیم فلاکت‌زده خمینی بعناوین مختلف دسترنج مردم را بغارت می‌برد تا شاید مغری بر اقتصاد ورشکسته خود ایجاد کند. و بدنبال این افلاس روز - افزون اخیرا کمیته‌هایی و مأموران حکومتی محصولات کشاورزی را که از منطقه سرباز و سایر نقاط به ایران شهر جهت فروش حمل می‌شد بعنوان قاچاق ضبط نموده اند. از جمله این محصولات پرتقالهای نارسی بوده که بعنوان قاچاق بغارت برده و بین افراد دیگر از قرار کیلویشی ۵۰ ریال فروخته‌اند.

سراوان - آسپنج - مهرماه ۶۴:

عناصر مزدوری که سابقا جنب نهادهای سرکوبگر رژیم شده بودند اخیرا عده‌ای بسیجی و مزدوران خود فروخته شورا را جمع کرده توسط ابراهیم نهوری (که قبلا در سپاه بود و اکنون مأمور تجسس ساوا ما می‌باشد) و همستی دین محمد نهوری (فرزند حاج شهسوار) حاجی نورجان سرمایه‌دار مزدور، لال محمد نهوری فرزند هارون مسئول شورا و ... پایگاه بسیجی بنام "پایگاه مقاومت شهید نهوری" تشکیل دادند. در افتتاح این پایگاه رئیس بسیج و سپاه و بخشدار حومه به مجد آمده و شروع به تبلیغات نمودند اما مردم زحمتکش منطقه با ترك كردن مسجد نفرت خود را از آنان نشان دادند و در کوتاهترین مدت جز آنها و مزدوران بسیجی هیچکس در مسجد نماند.





اخبار

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بدنبال موج اخراج سراسری کار-
مندان اینبار ۵ تن از کارکنان
شاغل در بنیاد مستضعفان از کاربرکنار
عده اند. یکی از اخراجیها به این
بیعدالتی اعتراض کرده با رئیس موزه
درگیر میشود و کار جروبخت آنها به
زبده خورد می کشد. فرد مذکور در پی
این زد و خورد دستگیر و به سه ماه
حبس محکوم شده است و اکنون در زندان
شهربانی بسر میبرد.

چاه بهار - مهرماه ۶۴:

بدنبال فساد و گندیدگی رژیم
جمهوری اسلامی و رشد رشوه خواری و نزدی
اخیرا افشا شده است که چند تن از
کارکنان وزارت بازرگانی در زاهدان
و چاه بهار مدت سه سال است که اجناس
سه میه بندی برای تعاقبها را که قرار
بوده در اختیار مردم قرار نهند در
بازار آزاد بفروش می رسانده اند. افراد
مذکور از قبل این نزدی صاحب خانه
ویلا و ماهین و ۳۰۰ عده اند و تا قبل
از دستگیری فرار را بر قرار ترجیح
داده اند.

چاه بهار:

یکی از وابستگان رژیم جمهوری
اسلامی درحین فرار با ۱/۵ کیلو طلا
شامل ۶ خت طلا و مقدیری انگتتری
بهمراه ۲ میلیون تومان پول نقد توسط
گروهان ژاندارمری نکور از توابع
جکیگور دستگیر میشود. موج فرارهای
اخیر سردمداران رژیم در رابطه با
چشم انداز خیزی توده هاست و اخیرا
تعداد زیادی از آنان به همراه نزدبهای
بیکرانی که از مردم کرده اند هنگام
فرار دستگیر و تحویل رژیم داده شده اند
و برخی از آنان دوباره آزاد شده
و بجزدی مشغولند.

سراوان - آسپیچ:

بعد از برگزاری نماز جمعه در
آسپیچ که اهالی روستای زیارت ناگان
کلپورگان در آن شرکت می کنند، ابراهیم
(پاسدار) برای درخواست کمک به پایگاه

بسیج با در دست داشتن برگهای سفید
به مردم مراجعه کرد اما مردم با
نفرت از او دور می شدند و تنها مزدور
نی جون حاجی نورجان به این تقاضا
پاسخ گفتند و فرد مذکور موتسور
سیکلتنی را به بسیج اهدا نمود.

زاهدان - روستای دولت آباد:

روستای دولت آباد در چند کیلومتری
زاهدان قرار دارد و عده ای از زارعین
روستا روی زمینهای که بعد از قیام
از اربابها معارضه کرده بودند به
کفاورزی اشتغال داشتند اما اخیرا
مالکان با عزت و احترام قضات شرع
و حکم پس گرفتن زمینها به روستا
بازگشته زمینها را بازپس گرفته اند
و کفاورزان معترض را به زندان اندا-
خته اند. مشابه این عمل در روستای
سارانی زاہل اتفاق افتاده است. و
بدینسان کودن ترین استثمارگران هم
دیگر نهمیده اند که آغوش رژیم سرمایه
داری جمهوری اسلامی برویشان باز است
و خمینی و داروستانه ارحامی مالکان
و تجار و سرمایه داران و دشمن نهفانک
و کارگران و زحمتکشان از این سرو
سته سته به سر غارت خویش باز
میگردند. چنانکه حتی ورق پاره های
رژیم جمهوری هم برای فریب توده ها
و پیشبرد منازغات بیرون طبقه حاکم به
این مسئله اعتراف دارند و اخیرا ۲۶
تن از کفاورزان مازندران در پی دفاع
جمهوری از حیدرخان فتودال معروف
منطقه بعلت معارضه زمینهای اربابسی

در دادگاه عمومی به شهر به ۲ ماه
حبس و پرداخت دویست و نود هزار تومان
ضروو زیان مالک محکوم شدند و بهمین
سیاق در سایر نقاط ایران این دفاع
از ملاکین و سرمایه داران علنی و آشکارا
مورت می گیرد.

ایران شهر - آبانماه ۶۴:

اراضی قابل کشت دلگان نیز از
چپاول رژیم بدور نماند و بدنبال
غصب زمین های حاصلخیز این منطقه از
سوی سردمداران رژیم و مخصوصاً عبادی
خائن امام جمعه شهر زاهدان جاده
اسفالته دلگان - ایران شهر نیز آغاز
شده است. این در شرایطی است که
مناطق دیگری هستند نیازمندتر و چون
عبادی ها در آن زمین ندارند از جاده
و امکانات هم خبری برای آنها نیست.

زاهدان:

بدنبال فرار غدیری مزدور، قاضی
قبلی استان که کوس رسوائی، رشوه خواری
و جنایات شرحنی رژیم را هم به وحشت
انداخته بود و دامن گرفتن موج اعتر-
اضات مردم و خانواده های زندانیان
در خصوص بی عدالتی های آشکار در قوه
قضائیه استان اخیرا نیز انجمنهای
اسلامی و مزدوران و جاسوسان رژیم
نامه ای بلند بالا فرستاده و خواستار
قاضی خبره و با تجربه (غفی تروجلادتر)
از قم یا تهران عده اند.

در وضع بحرانی کنونی قوه قضائیه
چنان هرج و مرجی حاکم است که حتی
بیضابطه تر از هر کجای دیگر عمل میشود
در این مدت شاهد اعدامهای پی در پی
انقلابیون از جمله فدائی شهید ناصر
بامری و موج دستگیریها و شکنجه
و اعدام بیگناهان جز و ۳۰۰ بوده ایم
این اعمال با هیچ موازینی تغییرپذیر
نیستند جمهوری خود عامل خونریزی
و شکنجه و آزار است و قاضی القضاة
درخواستی انجمن اسلامی (جاسوسان)
خود برای تشدید چنین جوی است
و چنین درخواستی از خمینی نه برای
تخفیف هرج و مرج در قوه قضائیه که
برای تشدید آنست. دستگیری بستگان
زندانیان و وسعت اعتراضات خود نشان
دهنده ترس رژیم و نه بی قاضی بودن
دادگستری است چه با آمدن قاضی این
مسائل پایان نمی یابد.

ایران شهر - دلگان:

مزدوران جهاد سازندگی کارگران
و زحمتکشان بلوچی را که در این نهاد
کار می کنند و ادار کرده اند دست از
معتقدات مذهبی خود برداشته بسروش
آنان عمل کنند و از دست بستن هنگام
نماز بوسیله بلوچهای زحمتکفر جلوگیری
می کنند حتی عده ای بزور این عمل را
انجام داده ولی چون بخانه می آیند
بسروش خود عمل می کنند. ستم ملنی
و مذهبی شالوده عمل این رژیم است.
مردم زحمتکفر معتقدند که دین امری
خصوصی است و نباید در سیاست دخالت
داده شود هرکس آزاد است معتقداتش
را حفظ کند اما مزدوران حکومت
سرمایه داران تا پای مرگ از این
زورگویی دست برنمی دارند و زحمتکشان
نیز تا مرگ آنان دست از مبارزه برای
رهائی برنخواهند داشت.



اخبار...

زاهدان - مهرماه ۶۴:

اخیراً رژیم اموالی را که بزور سرنیزه بنام اموال قاچاق از توده‌های محروم بلوچ اخاذی کرده است بمعرض حراج نهاده ماسخینهای تویوتا و وانت بار متعلق به افراد بلوچ زحمتکش نیز جزو این اموال بود زیرا کمیته و شهرپانی از ساعت ۶ بعد از ظهر تا صبح هر وانت یا تویوتائی را توقیف کند سرنشینان بلوچ آنرا بازداشت و ماسخین را غضب می‌کند و حراج ۲۰ مپس ماه شامل این ماسخینها و ماسخینهای اسقاطی شهرداری بود. اما با اینهمه غارت خلق خزانه خالی رژیم پرنمیشود.

میرجاوه - مهرماه ۶۴:

یک درگیری وسیع بین افراد مسلح بلوچ و مزدوران رژیم در این مرز رخ میدهد که طرفین از سلاحهای سنگین استفاده نموده‌اند. تعداد تلفات این درگیری روشن نیست اما رفت و آمد آمبولانسها بین زاهدان و مرزنشانند. هنده وارد آمدن تلفات در درگیریت.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

اخاذی از مردم محروم و بخصوص کارگران و کارمندان به بهانه کمک به جیبهای جنگ مدام ادامه دارد. این اخاذی در شکل گرفتن پول و وسائل است. اخیراً مردم متوجه شده‌اند که وسائل غضب شده آنان سر از بازار فروش یا منزل سردمداران رژیم از جمله عبادی درمی‌آورد.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

در پی سربازگیری اجباری به مسئولان ادارات و آموزشگاهها گفته شده است که باید افراد زیرست خود را متقاعد کنند تا روانه جیبها شوند و گرنه بزور و اجبار آنها را به جیبه گمیل خواهند داشت. افراد سپاه و کمیته و ژاندارمری به خیابانها آمده و هر جوانی را که احساس کنند سربازی نرفته جلب و بازخواست می‌کنند از اینرو جوانان ترجیح میدهند در خانه

مانده و سر از بادگان و جیبه ارتجاع درنیابورند. سپاه مرتب اعلامیه صادر میکند و دانش آموزان و کارمندان و... را به خدمت به جیبها فرا میخوانند اما دیگر کسی فریب رژیم سرمایه‌ارای را نخواهد خورد.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

اخیراً تعداد زیادی از کارمندان و کارگران راه آهن زاهدان را به اجبار پس از یک دوره کوتاه آموزشی به جیبه روانه کرده‌اند این عده اکثراً مسن و متاهل و برخی دارای ۲ تا ۸ فرزند هستند و از محرومترین افراد بلوچی هستند که سختترین و طاقت فرساترین کارهای راه آهن را انجام میدهند.

چاه بهار - شهریورماه ۶۴:

در یک درگیری مسلحانه در منطقه تگور پشتیباری دو تن از ماموران ژاندارمری به هلاکت رسیده‌اند.

چاه بهار - مهرماه ۶۴:

کالاهای سهمیه‌بندی که از طریق اداره کل بازرگانی استان به چاه بهار واگذار میگردد، با همدستی فرماندار و مسئول بازرگانی چاه بهار و بسیج اقتصادی و مقامات دیگر به قاچاقچیان پاکستانی فروخته میشود و از این طریق پول کلانی به جیب می‌زنند. کالاهای مورد معامله تاکنون عبارتند از حدود ۲۰۰۰ کولر، لاتیخ و یخچال و چرخ خیاطی و لوازم دیگر.

زاهدان - ۲۰ مهرماه ۶۴:

شمار نویسی در سالن کشتی ۱۲ شهر - یور زاهدان توسط رفقای هوادار همچنین نصب برجیب به کاشی‌های دستفروشی تا چندین روز بر سر و دیوار باقی مانده و موجب خوشحالی و حیرت کشتی‌گیران ورزشگاه و تماشاچیان عده بود.

زاهدان - ۲۰ مهرماه ۶۴:

نصب برجیب‌های کار را بخوانید و حول برنامه عمل متحد شوید بر درب و پنجره اداره راهنمایی و رانندگی بهنگام تجمع افراد متقاضی گواهینامه و همچنین درب و پنجره‌های دبیرستان

قدس زاهدان توسط رفقای هوادار و باقی ماندن آنها تا چند روز بخصوص موجب شادی و سیاسی شدن جو دبیرستان قدس بود.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

تعدادی برجیب با امضاء هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ترکیبوسکها تلفن نصب شده بود. این عمل خاصه در مجتمع مسکونی جام جم (حمایت انقلاب) که محل زندگی چند تن از سردمداران "ساواما" می‌باشد موجب هراس و وحشت آنان و خوشحالی توده‌های مردم این محل شده بود.

چاه بهار - مهرماه ۶۴:

جندی پیش محمدی نماینده "امام" در سپاه پاسداران ارگان دستگیری بر توده‌های محروم به همراه ۴ نفر از پاسداران خویش مقدار ۲۰ کیلو تریاک را بمقصد قم حمل می‌کنند. در نزدیکی کرمان توسط مامورین انتظامی (پایگاه مشترک ژاندارمری - کمیته) بهنگام بازرسی تریاکها کشف میشود و محمدی ردالت پیشه خود را نماینده امام جلالت معرفی می‌کند اما حاضر به ارائه هیچگونه سندی دال بر این مدعی نمیشود. مامورین انتظامی او را به همراه چهار پاسدار دستگیر و پس از این رسوایی تنها بدو سال زندان محکوم می‌کنند او هم اکنون با پاسدارانش در زندان بسر میبرد. این یکی از هزاران موردی است که مج سردمداران رژیم در راه اشاعه فساد باز میشود. اما وقیحانه این عاملین فساد از بلندگوهای رژیمشان فریاد سرمی‌دهند که با اعتیاد با فحشاء و ... در حال مبارزه‌اند و چه سرها که بدار نمی‌برند تا باخون دیگران پای این گفتار فریبنده خود را امضاء کنند.

زاهدان - مهرماه ۶۴:

بدنبال فعالیت هواداران سازمان در منطقه و همچنین در میادین ورزشی اخیراً بشکل محرمانه از مسئولین ورزشی خواسته شده در این رابطه گزارشی تهیه کنند و مراقبت بیشتری بعمل آورند و برای شناسایی نیروهای انقلابی تلاش جدی بعمل آورند.



افشای متن يك سند

بسمه تعالی

اداره کن [Redacted]
 فرمانداری [Redacted]
 شماره [Redacted]
 تاریخ [Redacted]
 دفتر [Redacted]

سلام علیکم

متأسفانه بدلیل عدم توجیه افراد و رواج داشتن رد و بدل اطلاعات در مکالمات تلفنی و همچنین رعایت عادی سازی کامل و پیچیدگی شیوه های عوامل ضد انقلاب و کسب اطلاعات از طریق تماس تاکنون اطلاعات حساس و ذیقیمتی در اختیار دشمنان جمهوری قرار گرفته که بعضاً خسارات جبران ناپذیری را در پی داشته است .

لذا ضروری است که گیرندگان محترم (بخصوص یا توجه کمترین ریز افزون این شیوه از ســـــوی ضد انقلاب) کلیه افراد ذیربط خویش را در رابطه با شیوه های کسب اطلاعات که ذیلا مفروض خواهد گشت توجیه فرموده و آئین نامه انضباطی دقیقی جهت برخورد با متخلفین تنظیم گردد تا بیاری خداوند متعال از تداوم ضایعات فعلی جلوگیری بعمل آید .

۱- پاسخ به سئوالات تلفنی (تماس گیرنده تحت نام هر مرجعی که خود را معرفی نماید) - ممنوع بوده و در پاسخ صرفا شماره تلفن تماس گیرنده درخواست شده و بعد از تحقیق در مورد صحت و سقم شماره با آن تماس گرفته و پاسخهای مربوطه محدود و وظایف مرجع فوق داده شود بدیهی است که پاسخها نباید تمام اطلاعات داران صیغه بندی بوده بلکه صرفا میتواند شامل راهنمایی ها و ... باشد .

۲- در صورت پین آمدن موارد مشکوک و استتکاف صرف مقابل از دادن شماره تلفن خویشتر جریان امر را بصورت کامل شامل ریز دقیق مکالمه سرعما گزارش نموده تا از طریق مسئولین مربوطه به وزارت اطلاعات اعلام گردد .

۳- کلیه اطلاعات داده شده قبلی به افراد ناشناس همراه با شرح تماس را گزارش نمائید (گزارش ذکر نمائید که تماس از راه دور یا داخل شهر بوده)

۴- به افراد یا مراکزی که کار آنان به نحوی در ارتباط با جنگ می باشد بصورت خاص تاکید شود که از ارائه کوچکترین مطلب حتی در حد اسم یکی از برادران مشغول و یا هر نوع خبر راهنمایی ناری شماره تلفن و ... در هر زمینه ننندید خودداری نمائید .

در پایان مجدداً تاکید می نمیم که مسئولین محترم بواسطه اهمیت موضوع و جلوگیری از خسارات ناشی از این ترفند ضد انقلاب دقت کافی در جهت توجیه کلیه پرسنل توسط بخشنامه و آگهی های مناسب و هشدار در سخنرانی ها مبذول فرمایند .

ومن التوفیق

سید احمد نصری - استنادار سیستان و بلوچستان

خجیلی
دانشگاه

حول برنامه عمل
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



کمکهای مالی

ریال ۵۰۰۰	صمد حسین زهی
ریال ۱۰۰۰۰	رفیق جلال
ریال ۱۰۰۰۰	علیرضا با مری
ریال ۱۵۰۰۰	امین نورانی
ریال ۵۰۰۰	شهید شفیع
ریال ۵۰۰۰	شهید ناصر
ریال ۱۱۰۰۰	ب
ریال ۱۱۰۰۰	ع - ۴۲
ریال ۲۲۰۰۰	م - ۲۲
ریال ۱۱۰۰۰	الف - م
ریال ۱۱۰۰۰	الف - ۱۹
ریال ۲۰۰۰۰	ک - ز
ریال ۴۰۰۰۰	رفقای بعمور
ریال ۲۰۰۰۰	م - ز - ۱۱
ریال ۵۰۰۰۰	م - ز - ۱۲
ریال ۳۰۰۰۰	سلیم کهرازی

با کمکهای مالی خود
سازمان رایاری رسانید



عاشق

روز دانشجو گرامی باد!

با کمکهای مالی خود

سازمان رایاری رسانید

هراس رژیم از نیروهای انقلابی

افشای متن يك سند

و عملکرد خود توسط انقلابیون بهر اسرار افتاده و در این مورد به مزدوران و سرسپردگان خود در ارگانها و ادارات حکمی مبنی بر عدم نرس اطلاعات و اخبار به بیرون را میدهد اما این پنهانی ترین حرف رژیم خونخوار سرمایه داران از چم و گوش انقلابیون مخفی نمی‌ماند و چنانکه می‌بینید این بختنامه خیالی محرمانه هر هم افشاء شده است. بگذار تا رژیم جمهوری برغود بلرزد زیرا که میلیونها چم مراقب حرکات او و میلیونها نست در کار انهدام او هستند این وظیفه انقلابیون جان بر کف است که حرکات و اعمال آشکار و پنهان رژیم را که نور از چم توده‌ها علیه توده‌ها و انقلابیون صورت می‌گیرد افشاء و با این کار انقلابی و آگاهگران پرده از چهره بر فریب و نیرنگ و گفتار رژیم جمهوری اسلامی بردارند.

افشای تمام زرد بند و توطئه‌ها علیه توده‌ها و افشای روابط رژیم با سرمایه داران و زمینداران چپا و لگرو غارتگر و افشای فرامین رژیم به نوکران انسان در رابطه با نحوه سرکوب و ایجاد جو خفقان که توسط انقلابیون انجام گرفته و می‌گیرد معنی ماهیت سیاستهای ضد مردمی رژیم را به عینه نمایم میدهد. رژیم که ناتوان از جلوگیری رعد و گسترش روند مبارزه طبقاتی و انقلاب است با صدور بختنامه‌هایی بخیال خام خود میتواند مانع افشاء سیاستهای ضد خلقی آن شود. افشای سند فوق بگوئی نشان میدهد که رژیم رسوا و جمهوری اسلامی از افشای اسناد ترونی سیاستها

رژیمهای ضد خلقی همیشه حقایق را از چم توده‌ها پنهان نگه می‌دارند رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که دشمن عموم کارگران و زحمتکشان ایران است در این رابطه گوی سبقت را از سایر رژیمهای مشابه خود ربوده است. این رژیم در کنار سرکوب علنی و آشکار توده‌ها و انقلابیون به شیوه‌های مذبحخانه دیگری نیز متوسل میشود. مدام بختنامه صادر میکند. فرمانهای غداد و غلاظ سر میهنده تا حقایق از چم توده‌ها پنهان بماند. اما انقلابیون جان بر کف که علیه این رژیم تبهکار نبرد می‌کنند مدتها است با افشای اسناد ترونی رژیم توده‌ها را آگاه و رژیم را رسوا و بی اعتبار می‌سازند. افشای اسنادی مانند وابستگی آشکار و پنهان با امپریالیسم و مرتجعین

بنیاد در صفحه ۱۳

ضد امپریالیستی جیره جدا چه جیره په دمکراسی و نه انت